

بداندید بداندید
ما همه یتیم هستیم

• امیر حسین دلازلی
روزنامه‌نگار

رئیس کمیته امداد

رئیس کمیته امداد گفتند: تلاش می‌کنیم تا در سال ۱۴۰۰ اعلام کنیم هیچ یتیمی بدون حامی در کشور وجود ندارد.

ازاینرو چون ما جمعی از اهالی رسانه و قلم بدستان و محنت‌کشان مقیم مرکز یعنی پایتخت اعلام می‌کنیم؛ ما هم شدیداً احساس یتیمی می‌کنیم؛ سالهاست پدر و مادرمان به رحمت خدا رفته‌اند و یتیم هستیم؛ از لحاظ سطح زندگی خصوصاً در این شب عیدی بدجور در وضعیت قرمز هستیم (وضعیت قرمز فقط برای کرونا نیست). از این رو در راستای شفاف‌سازی رسانه‌ای که وظیفه هر آدم اهل رسانه است به عنوان رکن چهارم دموکراسی فریاد بر می‌آوریم: «بداندید بداندید - ما همه یتیم هستیم»

میدانیم بیان واقعیت‌ها شجاعت می‌خواهد اما ما با صراحت و شجاعت ژورنالیستی اعلام می‌داریم: چنان احساس یتیمی می‌کنیم که حاضریم یک ناپدری بد اخلاق مسئولیت سرپرستی ما را برعهده بگیرد مثل برخی ناپدری‌های بداخلاق قدیمی‌نامزا هم نثارمان کند اما فقط ما را تامین کند.

از ایسن رو در ایسن برمه حساس زمانی و تاریخی یعنی شب عیدی آیا امکان دارد ما را هم زیرپوشش بگیرند؟ باور کنید ما نیازمند پوششیم ما زننده است (از لحاظ کهنگی) لذا لباس‌های ما مندرس و نخ نما شده‌اند. عصر حجر بود می‌شد با پوست حیوان یا چند تا برنگ خودمان را بپوشانیم اما حالا باید پوشش مناسب داشت. ما مشکل پوشش داریم خیلی پوشش ما زنده است (از لحاظ کهنگی) لذا نیازمند یک دست‌کت و شلوار نو «برند» هستیم اما ما یتیمان توان خرید نداریم. ما منتظر دست‌نوازشگر یک حامی یا یک اسپانسر خوب هستیم که برایمان هر چی دوست داریم بخرد. لذا سؤال می‌کنیم: آیا امکان دارد ما هم در سال ۱۴۰۰ جزو یتیمانی باشیم که بدون حامی نباشند؟ در صورتی که پاسخ به درخواست ما بله است لطفا همین شب عیدی اعلام کنند. ضمناً هر کسی که مسئولیت و سرپرستی ما را به عهده گرفت از او به عنوان یکی از «دلسوزان واقعی» نام می‌بریم. چون اقسای قالیباف رئیس مجلس گفتند: «کسانی دلسوز مردم‌اند که کاری برای مردم بکنند.»

در کل ما که حس می‌کنیم سال ۱۴۰۰ سال خوبی باشد حتی دیگر یتیم و بی‌سرپرستی نباشد همانطور که قرار است حتی یک بیکار در جامعه نباشد.



جنجال ازدواج مرد ۵۵ساله با دختر کم‌توان ذهنی



انتشار ویدئویی که گویا ازدواج مردی ۵۵ساله با دختر کم‌توانی ذهنی و نصف سن او را نشان می‌دهد، در غوغایی به پا کرده است و بسیاری خشمگین شده‌اند که مبادا آن زن مورد بهره‌کشی قرار گیرد. به گزارش فرارو، در این ویدئو که در رسانه اجتماعی چینی ویبو منتشر شده است، دختری ۲۰ساله بی‌امان در حال گریستن است و مردی هم دارد اشک‌های او را پاک می‌کند. سایر زن‌های خانواده به زن توضیح می‌دهند که دارد به خانه جدیدی می‌رود. در ویدئو زنی می‌گوید: بین چقدر تا تو مهربان است… گریه نکن. الان در خانه جدیدی هستی. مقامات استان هنان چنین اجازه ندهاند که آن مرد با زن کم‌توان ذهنی ازدواج کند، اما اجازه داده‌اند تا با هم زندگی کنند. آن دختر که قیومت‌وری او به آن مرد سپرده‌اند، به علت کم‌توانی شدید ذهنی قادر به راه رفتن یا تکلم نیست. طبق قوانین چین رضایت زن و مرد برای عقد ازدواج الزامی است و به علت آن که کم‌توانان ذهنی در اغلب موارد قادر به رضایت دادن نیستند، ازدواج‌شان غیرقانونی است. اما به گفته کارشناسان، قانون مانع یا هم زندگی کردن چنین زوج‌هایی نیست. بنابر گزارش‌ها، این مرد ۵۵ساله به روزنامه‌های محلی گفته‌است که آن کلیپ ویدئوی مهمانی عروسی‌شان است و چون نتوانسته‌اند ازدواج را به ثبت برسانند، مجوز جشن نداشت‌ه‌اند. او ادعا می‌کند که والدین این دختر به او اجازه داده‌اند که از او مراقبت کند و با هم زندگی خواهند کرد. این رویداد باعث خشم شماری از مردم شده است و از مقامات بابت پذیرفتن این ازدواج انتقاد می‌کنند. در پی انتقاداتی که رخ داد، پدر آن دختر با انتشار ویدئویی از تصمیم خودش دفاع کرد و گفت هر دو رضی بودند و افزود که هیچ پولی در آن ماجرا رد و بدل نشده است.

حافظ نامه
مجو درستی عهد از جهان سست نهاد
بنال بلبل بی‌دل که جای فریادست
تفسیرین: معاون رئیس جمهور گفتند: برخی از کشورهای دوست از ما هیچ نفتی نخریدند.
حافظ نیز از بی‌وفایی و بد عهدی دوستان سخن می‌راند.

آفتاب یزد-گروه شبکه: «- قبلا وقتی

وارد تره بار میشدنی به زور از کنار مردم می‌توانستی رد بشوی به این خاطر که شلوغ بود اما الان بـه خاطر گرونی تعداد کمی از مردم در تره بار حضور دارند.

- پیشتر وقتی می‌خواستیم میوه خریداری کنیم زیر یک یا دو کیلو نبود اما حالا آمدهام خرید، ۲ تا هویج و ۲ تا پادمچان برداشتم و… این خیلی برای یک خانواده ایرانی زشت است که بخواهد اینظوری (دونه ای) خرید کند. نمی‌دانم مسئولان از گرانی‌ها اطلاع ندارند یا اقتدر در رفاه هستند که از مردم خیر ندارند.

- خدارا شاهد می‌گیرم که از پس هزینه‌ها بر نمی‌آیم. یک کمی به داد مردم برسید. یک و نیم میلیون حقوق می‌گیرم که با یک خرید تمام شد. من چیکار کنم. به خدا حاضرم خودکشی کنم.

-قیمت‌ها چند برابر شده و دیگر نمی‌توانیم میوه بخیریم. گوشت و مرغ که جای خود دارد».

این گزاره‌ها درد ودل و گلابه‌های مردمی است که گرانی‌ها امانشان را بریده اقتدر که قدرت خرید را در آن‌ها پایین آورده است. مردمی که قبلا کیلویی میوه می‌خریدند اما حالا بـساز خرید آن عاجزند یا مجبورند دونه‌ای آن‌ها را تهیه کنند-. کما اینکه چندی پیش اسدالله کارگر رئیس اتحادیه فروشندگان میوه و سبزی گفته است: «تقاضای مردم برای خرید میوه کاهش یافته است و این محصول در اولویت‌های اول خرید مردم نیست».
حالا مردم از این اتفاق در رنج‌اند و شـرمنده خانواده‌شان. اما مسئولان نمی‌بینند که بخواهدند فکری به حال این موضوع کنند. چقدر دیگر باید مردم بابت گرانی‌ها اعتراض کنند تا گوش شنوایی برای مشکلمان پیدا شود؟
همین چند روز پیش بود که آفتاب یزد طی گزارشی با عنوان «کدام خرید عید؟» بول نداریم!» بخش دیگری از ناراحتی‌های مردم را از این موضوع منتشر کرده بود. همان‌ها که به خاطر نداشتن پول، عطای خرید عید را به لقایش بخشیده بودند.

■ **راز یک معما: گرانی در عین فراوانی**

در همین راستا عصر ایران طی یادداشتی به قلم مهرداد خدیبر نوشته است: «این سخن رهبری در روز درختکاری که «جانبس و میوه‌ها گران اما فراوان است و برای گرانی باید چاره‌ای اندیشید»، نکته‌ای بسیار قابل تأمل است؛ واقعیتی که نزد برخی به صورت معما درآمده است. چرا که بر اساس قاعدهٔ آزاد و مورد استناد همه است، اگر عرضه زیاد

روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

آفتاب
روزشخ ایران

امام علی (ع): کسی که از خدا بترسد ترشش از دیگران کم است. ■ اذان ظهر ۱۲:۱۵ ■ اذان مغرب ۱۸:۲۵ ■ اذان صبح فردا ۴:۵۹ ■ طلوع آفتاب فردا ۶:۲۲

خداحافظی باخريد كيلويي ميوه

امان مردم از گرانی بریده است



باشند و اتفاقا برخی به خرید جنس گران

تفاخر هم می‌کنند. منتها عرضه و تقاضا به مناطق جغرافیایی خاصی محدود می‌شود. همین چند روز پیش خودمان این خبر را منتشر کردیم که تقاضای «کله پاچه» در جنوب شهر کاهش یافته و در برخی نقاط به صفر رسیده است ولی در بعضی مناطق تهران همچنان مشتری دارد.

تولیدکننده بـساز واردکننده هم نمی‌تواند به قیمت کمتر عرضه کند. گران‌فروشی اما نکته و به دنبال سود ۱۰۰ درصدی یا بیشتر باشد. دربارهٔ اقلام فسادپذیر مانند گل و مواد خوراکی که زود فاسد می‌شوند البته هزینهٔ اتلاف و دورریز هم محاسبه می‌شود. وقتی موز با کیفیت آمریکای جنوبی در ایران قابل تولید نیست، اما قطعا و با واردات از کشور سبب مشروط شده و با دلار آزاد و گران وارد می‌شود نمی‌توان عرضهٔ موز به قیمت بالا را گران‌فروشی دانست و فروشنده را مقصر دانست. اما قطعا و بی‌هیچ تردیدی به منزلهٔ گرانی است. یعنی مصرف‌کننده توان خرید ندارد. سؤال این است: چرا با این‌که جنس هست، گران است؟ چرا که اگر کمبود باشد گرانی قابل فهم است. اما وقتی هست و زیاد هم هست چرا باید گران باشد؟ چرا کالا و خدمات نیست که گران است بلکه دستمزد و درآمد است که کم است. از این رو نمی‌توان علت را به مسودجویی صرف نسبت داد و می‌توان این گزاره را طرح کرد که مشکل جای دیگری است و از این زاویه‌ها هم به داستان نگریست:

اول: در ایران به دلیل بالا بودن حجم نقدینگی و خلق مستمر پول و شبه پول و البته فساد و ارتشا و سپردن خیلی از کارها به ناکاردان‌ها و ترجیح وفاداری و رباکاری پس‌داده‌تر است و عدالت را هم خیلی غلیظ تلفظ می‌کند به این انگاره دامن می‌زند و راهکار را در تقسیم دار و ندار می‌داند و کل زمین‌های ایران را هم می‌خواهد تقسیم کند. عدالت البته آرمانی بزرگ است اما عدالت

واقعی فرصت‌سازی است و نمی‌توان بسا انحصار و ناکارآمدی و صرف شعارهای بی‌حاصل

و استمرار هزینه‌های بی‌دلیل به عدالت رسید.

۱. یا تشدید تحریم‌ها و پیش‌بینی کسالتی چون مرحوم اسدالله عسگراولادی دربارهٔ بروز قحطی، اولویت دولت این بود که قحطی نشود و قفسه‌ها خالی نباشد. رشد فروشگاه‌های زنجیره‌ای عرضه و فروش کالا هم تلقی قحطی را در مردم ایجاد نکرد و قفسه‌مغازه‌ها

خالی نشد ولو قیمت‌ها بالا رفت و برخی اقلام از دسترس بخشی از اقشار جامعه خارج شد.

از این منظر می‌توان گفت سیاست جلوگیری

از قحطی موفق نبوده است. ۲. هر چند تولیدکنندگان چاره‌ای جز افزایش قیمت نداشتند اما قبیح آن ریخت

و در غیاب وزارت بازرگانی که از حقوق مصرف‌کننده دفاع کند بازرسی و کنترلی برای تطابق افزایش اجتناب‌ناپذیر با سوء‌استفاده وجود نداشت یا کم بود.

مگر می‌شود یک سازمان واحد هم از حقوق تولیدکننده دفاع کند و هم مصرف‌کننده؟ این دو سازمان باید جدا باشند. وقتی برای سازمان دفاع از تولیدکننده مسجل می‌شود که مثلا قیمت هر لیتر شیر کمتر از ۵ هزار تومان قابل عرضه نیست و سازمان حمایت از مصرف‌کننده هم بر اساس متوسط دستمزد و درآمد بیش از هر لیتر چهار هزار تومان را خارج از توان مصرف‌کننده می‌داند به حفرهٔ ۱۰۰۰ تومانی در فاصله این دو قیمت می‌رسند. این را کی باید پر کند؟ دولت. معنی بارانه همین است. حالا چه به تولیدکننده بدهند و چه به مصرف‌کننده هدف آن باید مشخص باشد. مفا‌ه هزار می‌کنیم؟ هر ماه به ۷۵ میلیون نفر ۴۵هزار تومان پرداخت می‌شود. در حالی که اگر حذف می‌شد و کل آن به بارانهٔ لبنیات یا مواد پروتئینی اختصاص می‌یافت بخشی از مشکل حل می‌شد. جنس هست اما گران است. چون کالا را یا وارد می‌کنند که با دلار

تولید می‌کنند. باز هم گران تمام می‌شود. چون مواد اولیه با دلار محاسبه می‌شود و ماشین آلات نوسازی نشده است. پس برای حل این معما کی راهکار بیشتر وجود ندارد و آن افزایش دستمزد‌ها و بالارفتن قدرت خرید است اما نه دستوری که موجب تورم



می‌کنند نه آن‌ها که ورزشکارند.

یکی از کاربران در این مورد نوشته است: «چقدر کج سلیفگی تو صدا و سیما موج میزنه.»



شظرنجی کرد. شاید سانسور بدشان قابل درک باشد اما سانسور چهره‌شان غیرقابل توجیه است چرا که چهره خلاقان را این چنین شظرنجی

نگاهی به مد و پوشاک زنان دوره قاجار

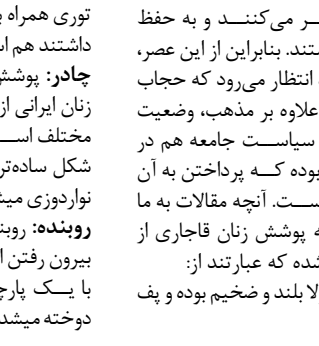
پیراهن: عمدتا بسا پارچه نازک دوخته می‌شد و ابتدای پادشاهی قاجاریان، تزینات بیشتری داشت.

آرخالسق: پوشش بالاتنه که استین‌هایی چسبان و سردستش مثلثی‌شکل بود که به آن «سنبوسه» می‌گفتند. ازخالق علاوه بر پوشش، به خاطر تزئیناتش، جنبه زیبایی هم داشت.

پوشش سر: از «سربند» گاهی برای جلوگیری از شیش استفاده می‌کردند. همچنین پوشش

توری همراه با کلاهِک و عرقچین‌هایی که تزئین داشتند هم استفاده می‌کردند. **چادر:** پوشش چادر برای بیرون استفاده میشد. زنان ایرانی از سال‌ها قبل‌تر چادر را به شکل‌های مختلف استفاده می‌کردند، اما در دوره قاجار شکل ساده‌تری به خودش گرفت و فقط دور آن نواردوزی میشد.

روبنده: روبنده پوشش دیگری بود که هنگام بیرون رفتن از منزل استفاده میشد و معمولا با یک پارچه کتانی برای جلوی صورت دوخته میشد.



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منصور مظفری

سر‌دبیر: سید علی‌رضا کریمی

تهران: خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام‌فرهانی (به سمت هفت تیر)

کودجه ۲۶ پلاک ۱۰ طبقه اول واحد یک

امور آگهی‌ها: ۷۷۸۲ ۸۱۹ ۰۹۱۲

تلفن: ۸- ۸۳۳۲۱۲۹۷-۸۳۳۲۱۲۹۹

چاپ: هشمه‌ری(۳/روزتاب) – جاده مخصوص – تلفن: ۷-۴۴۵۴۵۰۷۶

توزیع: تلفن: ۹۱۳۸۱۹۷۷۸۲

دفتر مرکزی یزد: بلوار ۲۲ بهمن. تلفکس: ۳۵۲۴۶۹۱۹-۰۳۵

مقالات و نوشتارهای ارسالی به روزنامه افتخاری بوده و در صورت عدم چاپ مسترد نمی‌گردد

شنبه‌بند ۱۹ اسفند ۱۳۹۹ | ۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲

۱۱ | شماره ۵۹۷۲